

تعداد شهدای محیطبان به ۱۵۶ نفر رسید

دوجان فدای حیات وحش دره بوانات شد

پیگیری‌های قضایی برای شناسایی ضاربان آغاز شد

زهرا توکلی خبرنگار

شکارچیان غیرمجاز با اسلحه شکاری محیطبان محمد فرهمند و دو همیار محیط‌زیست استان فارس را به گلوله بستند. در این حادثه تلخ محمد فرهمند و رضا بهرام جان خود را از دست دادند و تن مجروح علی اسدی به بیمارستان منتقل شد. شکارچیان غیرمجاز پیش از آنکه زندگی شهید فرهمند را بگیرند و شمار شهدای محیط‌بان کشور را به ۱۵۶ نفر برسانند جان یک قوچ در پناهگاه حیات‌وحش دره‌باغ بوانات را هم گرفتند.

سرهنگ جمشید محبت‌خانی، فرمانده یگان حفاظت سازمان حفاظت محیط‌زیست کشور درخصوص چگونگی وقوع این حادثه در باغ بوانات استان فارس در گفت‌وگو با «ایران» گفت: یک محیطبان و ۲ همیار محیطبان پناهگاه حیات‌وحش دره‌باغ در شهرستان بوانات استان فارس عصر روز جمعه طبق معمول در حال گشتزنی و مأموریت بودند که متوجه حضور شکارچیان غیرمجاز در این منطقه می‌شوند لذا برای

دستگیری آنها اقدام می‌کنند که متأسفانه شکارچیان غیرمجاز که مسلح هم بودند، به‌صورت ناگهانی و ناجوانمردانه اقدام به شلیک می‌کنند در صورتی که محیطبان سلاح داشته اما احتمالاً به علت اصابت تیر به بدنش، فرصتی برای استفاده نداشته است. این درگیری موجب شد یک محیطبان و یک همیار محیط‌زیست به شهادت برسند و همیار دیگر مجروح شود.

وی با بیان اینکه دیگر همیار این محیطبان که در این حادثه از ناحیه کتف مجروح شده برای انجام اقدامات درمانی به بیمارستان آیاده منتقل شده‌است، ادامه داد: خوشبختانه خطر جانی درخصوص این همیار رفع شده و تحت درمان است.

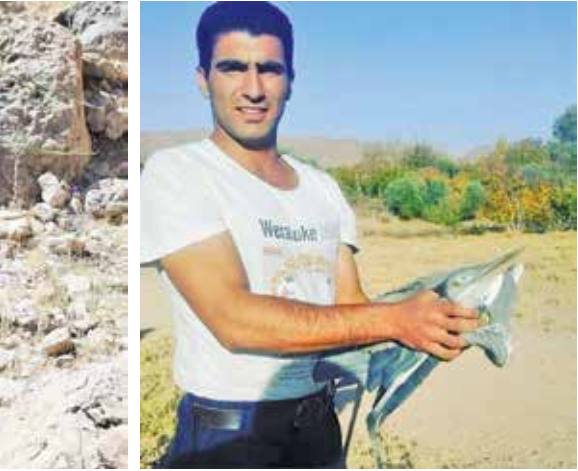
سرهنگ محبت‌خانی، تعداد شکارچیان غیرمجاز دخیل در این حادثه را ۲ نفر اعلام کرد و افزود: شکارچیان پس از وقوع این حادثه از منطقه متواری شده‌اند.

فرمانده یگان حفاظت سازمان حفاظت محیط‌زیست کشور اظهار داشت: برای این حادثه پرونده قضایی تشکیل شده و در حال پیگیری

است. وی تصریح کرد: دادستان محل و حوزه قضایی این منطقه در خصوص این حادثه ورود کرده‌اند و در حال پیگیری این پرونده هستند. همچنین نیروی انتظامی محل و حوزه‌های امنیتی شهرستان بوانات نیز در حال پیگیری این حادثه با هدف شناسایی و دستگیری این شکارچیان هستند.

محبت‌خانی با تأکید بر اینکه شکارچیان غیرمجاز هنوز شناسایی نشده‌اند، تصریح کرد: مظنونانی در این حادثه وجود دارند اما پیگیری‌های لازم برای شناسایی قطعی آنها در حال انجام است.

وی درباره نوع اسلحه و وضعیت داشتن یا نداشتن مجوز آن اظهار داشت: شکارچیان غیرمجاز متواری شده‌اند. شکار نیز در تمام کشور ممنوع است و هیچ‌گونه مجوزی برای شکار در تمام نقاط کشور صادر نمی‌شود، به همین دلیل ابتدا باید شناسایی و دستگیر شوند و سلاح‌های آنها توقیف شود تا وضعیت مجوز سلاح‌هایشان نیز مورد بررسی قرار گیرد. محبت‌خانی اضافه کرد: با توجه به مشاهده آپوکه به جامانده در صحنه حادثه، سلاح آنها اسلحه



شکاری از نوع ۲۷۰ بوده است که در این ماجرا یک قوچ را نیز شکار کرده و با خود برده‌اند. وی اظهار داشت: از مردم محلی منطقه‌ای که در آن حادثه اتفاق افتاده است درخواست داریم اگر اطلاع دارند این شکارچیان غیرمجاز چه افرادی بودند با دستگاه قضایی شهرستان بوانات همکاری‌های لازم را داشته باشند تا بتوانیم هرچه زودتر نسبت به شناسایی و دستگیری آنها اقدام کنیم. محبت‌خانی که در زمان این

گفت‌وگو در مسیر سفر به استان فارس برای بررسی و پیگیری این حادثه بود، افزود: آقای سجاد جلالی، مدیردفتر حقوقی و امور مجلس سازمان حفاظت محیط‌زیست کشور نیز همان روز حادثه برای پیگیری این اتفاق، در این استان حضور یافتند.

احمد رستگار، مسئول اداره حفاظت محیط‌زیست شهرستان برخوردر قاطعانه و بدون اغماض با ضاربان متواری در دستور کار دستگاه قضایی قرار دارد.

شدید چشم پیدا کرده و با تشدید آن به پزشک مراجعه کردم. به مرور زمان، لکه‌هایی قهوه‌ای در چشمم ایجاد شده و سوزش بیشتر شد. پزشک گفت از اثرات مازوت‌سوزی در منطقه، این مشکل میان اهالی منطقه شیوع پیدا کرده است. به گفته این شهروند شمالی، مشکلات چشمی کم نبود که اخیراً سرطان غالباً کینزی و نوکینزی بوده‌اند!» اما او با فرهنگ غربی دشمنی ندارد و در چند جا توضیح می‌دهد که بیشتر مردم عادی و بسیاری از اندیشمندان اروپا و آمریکا که «نیمه پنهان، اما انسانی و شریف و البته نامسلط فرهنگ غرب» را شکل می‌دهند، با دیدن عواقب نظریه‌های مکتب نوسازی در کشورهای توسعه‌نیافته، نسبت به تأثیرات مخرب و درناسمه‌ها و دستورالعمل‌های نظام سوداگری غرب آگاه و دلبر و واقع‌بین شده‌اند. در این زمینه، فرهادی برای مثال از جان راسکین، منتقد و نویسنده انگلیسی نام می‌برد که یکی از پایه‌گذاران فلسفه محیط زیست‌گرا به شمار می‌رود و می‌گوید که راسکین، توماس کارلایل و لئو تولستوی از چهره‌هایی هستند که به صوفی‌منش‌ان تاریخ اندیشه‌های اقتصادی معروف‌اند.

یک نکته کلیدی که فرهادی در جای‌جای کتاب به آن می‌پردازد، شیوه‌های بهره‌برداری از آب در ایران است که تحت تأثیر سرمایه‌سالاری، از بهره‌برداری صرفه‌جویانه و هماهنگ با ظرفیت‌های زیستی سرزمین که در گذشته رایج بوده، به روش تهاجمی چاه عمیق و سدسازی تحول یافته است: «رها کردن ۵۰ هزار رشته حیاتی و چند صد ساله و گاه هزار ساله قنات‌ها در ایران و دنبال کردن چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق و برنامه‌های سدسازی، بخشی از برنامه نابودی نظام چند هزار ساله دهقانی در ایران و جایگزین کردن سرمایه‌داری ارضی و بویژه کشت و صنعت‌ها بوده است.» در همین زمینه، از «صادرات بی‌معنی (کوچک فروشی، خام فروشی و مواد اولیه فروشی از نفت و گاز گرفته تا آب و خاک و مواد معدنی…» می‌گوید که در واقع، نابودکننده منابع آب کشور

است. فرهادی، برخلاف آنچه به نادرست شایع کرده‌اند که ایرانیان اهل کار جمعی نیستند، با آوردن مثال‌های پرشمار، بویژه از فرهنگ کشاورزی ایران نشان می‌دهد که ایرانیان هیچ‌گاه فردگرا نبوده و برعکس، استادان ابداع شیوه‌های کسب معیشت (جمععی) همراه با گروه بوده‌اند. او در همین زمینه به انتقاد از وزارتخانه‌های امروز می‌پردازد که بی‌اعتنا به شیوه‌های تعاونی هستند: «چگونه است که کشاورزان ایرانی پس از چند هزار سال زندگی با تعاونی‌های درون زاد و باستانی خود همچون «واره» و «پُنه» و «بلوک» و «مال» [...] توانست‌اند «واره محصولات» خود در قالب تعاونی‌های قدیم جدید، یا به کمک وزارت جهاد کشاورزی و وزارت بازرگانی و وزارت تعاون و کار... تعاونی‌هایی برای گردآوری محصولات و حمل‌ونقل و عرضه مستقیم به مشتریان و مصرف‌کنندگان تأسیس کنند؟» فرهادی معتقد است «رقابت» که این همه در نظام سوداگری – استعماری ترویج می‌شود، در واقع برای توجیه فردگرایی غربی و تسری اصل‌های داروینی بقای انساب و تنازع بقا به روابط میان انسان‌ها است، همین‌ها است که به «ستیزه و جنگ و درازدستی نسبت به انسان‌ها، جامعه و طبیعت منجرشده و خوی خودبینی، خودخواهی، خودشیفتگی را بر نوع‌دوستی و جامعه‌دوستی و طبیعت‌دوستی چیره» ساخته است. او تأکید دارد که ایرانیان حتی مجاز به رقابت با بیگانگان نیستند، چه رسد به رقابت با خودشان، بلکه نیازمند سازمان‌های پاریرگانه بین‌بنگاه‌های صنعتی داخلی و سیقت‌جویی از بنگاه‌های اقتصادی بیگانه در شرایط عادی (نه رقابتی) هستند.

کتابی برای مردم‌شناسان، جامعه‌شناسانِ توسعه‌و‌گنشگران محیط‌زیست

صنعت بر فراز سنت



عباس محمدی دانشگر محیط‌زیست

دکتر مرتضی فرهادی، مردم‌شناس و جامعه‌شناسی است که دیدگاه‌هایی متفاوت با نظرات بیشتر همکاران دانشگاهی خود و ناموران ایرانی این عرصه دارد؛ اگرچه بر شانه‌های فرهنگ کهن ایران ایستاده و بر بستر فرهنگی شرق تکیه دارد.

تفاوت او در این است که به جریان‌های مرسوم آموزشی ایران که بر پایه درسهامه‌های اروپایی است نگاهی انتقادی دارد و بسیاری از انگاره‌های رایج‌شده به دانش‌آموزان و دانشجویان و پژوهندگان ما را بر پایه پژوهش‌های نکته‌سنجانه و درازمدت میدانی خود در زمینه فرهنگ بومی کشور و با استناد به انبوهی از کتاب‌ها و مقاله‌های معتبر (اما کمتر ترویج‌شده) به چالش کشیده است. به نظر من، خواندن کتاب‌ها و مقاله‌های مرتضی فرهادی (دست‌کم، برگرفتن خوشه‌هایی از خرمن آثار پرشمارش) برای هر کسی که به فرهنگ و سرزمین ایران مهر می‌ورزد، لازم است. خواندن این آثار، بویژه در این زمانه می‌تواند امیدبخش ایرانیان بویژه جوانان پراستعدادی باشد که برخلاف میل ذاتی خویش در حال مهاجرت از سرزمین پدری هستند. البته اگر مسئولان هم حوصله کنند و در کنار «کلنگ زنی»‌های مداوم برای پروژه‌هایی که قرار بوده خوشبخت‌مان کند اما گویا دارد به ریشه‌های سرزمین می‌خورد، کمی به رهنمودهای فرهادی بیندیشند، حتماً برای خودشان و مملکت راهگشا خواهد بود.

تردیدی نیست که جایگاه بلند مرتضی فرهادی در جامعه‌شناسی توسعه و مردم‌شناسی ایران از نظر خبرگان این پهنه مغفول نخواهد ماند و حتماً نسل‌های بی‌شمار آینده از این دریا بهره‌ها خواهند برد. اما شاید ریزیبنی‌های فرهادی در زمینه حفاظت از طبیعت، به نظر خیلی‌ها نیاید و بویژه کنشگران محیط زیست از آن غفلت کنند.

کتاب «صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن» نخستین بار در سال ۱۳۹۷ به چاپ رسیده و چاپ دوم آن هم در سال ۱۴۰۱ منتشر شده است. مسأله بزرگی که فرهادی در این کتاب به آن می‌پردازد، نقد «مکتب نوسازی» است، مکتبی که فرهنگ و شیوه‌های زیست ایرانی (شرقی) را یکسره مردود دانسته و علنی یا ضمنی تنها نسخه نجات‌بخش برای ادامه زیست را راه توسعه به‌شکل اروپایی – امریکایی می‌داند. و این در شرایطی است که آمریکا و اروپا اقرار نمی‌کنند که توسعه و پیشرفت‌شان تا حد زیادی بر پایه غارت منابع سرزمین‌های دیگر (که نه درست بوده و نه برای بیشتر کشورهای دیگر ممکن است) و تخریب جبران‌ناشدنی محیط زیست جهان صورت گرفته و به‌علاوه، آن «اقتصاد آزاد» ی که برای ما تبلیغ می‌کنند، هرگز در ابتدای توسعه صنعتی کشورهای خودشان وجود نداشته و امروزه هم فقط به نفع خودشان اعمال می‌شود. فرهادی از زیممل نقل می‌کند که «قواعد بازی را امروز بازار آزاد، آزاد از منطق، آزاد از عدالت و انصاف و عاری از اخلاق و زیباشناسی تعیین می‌کند».

فرهادی معتقد است که با فراگیر شدن آموزه‌های مکتب نوسازی «فرهنگ تولیدی و فرهنگ کار و استقلال اقتصادی و مسأله توسعه پایدار و زیست‌بوم در هباهوی جامعه مصرفی و نمایشگاهی، بویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد از خاطره تاریخی ما گریخت [...] حتی پس از جمهوری اسلامی، مشاوران اقتصادی رؤسای جمهور ما غالباً کینزی و نوکینزی بوده‌اند!» اما او با فرهنگ غربی دشمنی ندارد و در چند جا توضیح می‌دهد که بیشتر مردم عادی و بسیاری از اندیشمندان اروپا و آمریکا که «نیمه پنهان، اما انسانی و شریف و البته نامسلط فرهنگ غرب» را شکل می‌دهند، با دیدن عواقب نظریه‌های مکتب نوسازی در کشورهای توسعه‌نیافته، نسبت به تأثیرات مخرب و درناسمه‌ها و دستورالعمل‌های نظام سوداگری غرب آگاه و دلبر و واقع‌بین شده‌اند. در این زمینه، فرهادی برای مثال از جان راسکین، منتقد و نویسنده انگلیسی نام می‌برد که یکی از پایه‌گذاران فلسفه محیط زیست‌گرا به شمار می‌رود و می‌گوید که راسکین، توماس کارلایل و لئو تولستوی از چهره‌هایی هستند که به صوفی‌منش‌ان تاریخ اندیشه‌های اقتصادی معروف‌اند.

یک نکته کلیدی که فرهادی در جای‌جای کتاب به آن می‌پردازد، شیوه‌های بهره‌برداری از آب در ایران است که تحت تأثیر سرمایه‌سالاری، از بهره‌برداری صرفه‌جویانه و هماهنگ با ظرفیت‌های زیستی سرزمین که در گذشته رایج بوده، به روش تهاجمی چاه عمیق و سدسازی تحول یافته است: «رها کردن ۵۰ هزار رشته حیاتی و چند صد ساله و گاه هزار ساله قنات‌ها در ایران و دنبال کردن چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق و برنامه‌های سدسازی، بخشی از برنامه نابودی نظام چند هزار ساله دهقانی در ایران و جایگزین کردن سرمایه‌داری ارضی و بویژه کشت و صنعت‌ها بوده است.» در همین زمینه، از «صادرات بی‌معنی (کوچک فروشی، خام فروشی و مواد اولیه فروشی از نفت و گاز گرفته تا آب و خاک و مواد معدنی…» می‌گوید که در واقع، نابودکننده منابع آب کشور

است. فرهادی، برخلاف آنچه به نادرست شایع کرده‌اند که ایرانیان اهل کار جمعی نیستند، با آوردن مثال‌های پرشمار، بویژه از فرهنگ کشاورزی ایران نشان می‌دهد که ایرانیان هیچ‌گاه فردگرا نبوده و برعکس، استادان ابداع شیوه‌های کسب معیشت (جمععی) همراه با گروه بوده‌اند. او در همین زمینه به انتقاد از وزارتخانه‌های امروز می‌پردازد که بی‌اعتنا به شیوه‌های تعاونی هستند: «چگونه است که کشاورزان ایرانی پس از چند هزار سال زندگی با تعاونی‌های درون زاد و باستانی خود همچون «واره» و «پُنه» و «بلوک» و «مال» [...] توانست‌اند «واره محصولات» خود در قالب تعاونی‌های قدیم جدید، یا به کمک وزارت جهاد کشاورزی و وزارت بازرگانی و وزارت تعاون و کار... تعاونی‌هایی برای گردآوری محصولات و حمل‌ونقل و عرضه مستقیم به مشتریان و مصرف‌کنندگان تأسیس کنند؟» فرهادی معتقد است «رقابت» که این همه در نظام سوداگری – استعماری ترویج می‌شود، در واقع برای توجیه فردگرایی غربی و تسری اصل‌های داروینی بقای انساب و تنازع بقا به روابط میان انسان‌ها است، همین‌ها است که به «ستیزه و جنگ و درازدستی نسبت به انسان‌ها، جامعه و طبیعت منجرشده و خوی خودبینی، خودخواهی، خودشیفتگی را بر نوع‌دوستی و جامعه‌دوستی و طبیعت‌دوستی چیره» ساخته است. او تأکید دارد که ایرانیان حتی مجاز به رقابت با بیگانگان نیستند، چه رسد به رقابت با خودشان، بلکه نیازمند سازمان‌های پاریرگانه بین‌بنگاه‌های صنعتی داخلی و سیقت‌جویی از بنگاه‌های اقتصادی بیگانه در شرایط عادی (نه رقابتی) هستند.

متن کامل این یادداشت را در سایت «ایران آنلاین» مطالعه کنید.

▪ یکشنبه ۸ خرداد ۱۴۰۱
▪ سال بیست و هشتم
▪ شماره ۷۹۱۹

خاکستر مازوت به کاهش کیفیت مرکبات منطقه انجامید

دود مازوت در چشم مردم نکا

آرین صفایی خبرنگار

مازوت‌سوزی در نیروگاه شهید سلیمی نکا، سال‌هاست نفس مردم روستاهای همجوار را تنگ کرده است. مردمی که طی این سال‌ها چشم‌انشان آسیب دیده، به بیماری سرطان مبتلا شده و به‌دلیل از دست دادن محصولات کشاورزی، کار و بار خود را از دست داده و حتی خانه نشین شده‌اند. اما این تمام ماجرا نیست؛ چراکه محیط زیست این منطقه نیز با تشدید مازوت‌سوزی، تخریب شده و بیشتر جانداران آن بی‌هیچ گناهی تلف شده‌اند.

«حر منصوری» دیده بان میانکاله و فعال محیط زیست در این خصوص به «ایران» می‌گوید: نیروگاه شهید سلیمی، در دهه ۵۰ بر پایه گاز طبیعی در شهر نکا ساخته شد. اتفاقاً برای تأمین گاز مورد نیاز این مجموعه نیز پالایشگاهی در منطقه خانگیران سرخس تأسیس شد. جالب اینجاست که تمامی روستاهای همجوار نیروگاه نظیر زاغمرز، حسین آباد و... به‌واسطه این نیروگاه، از دهه ۶۰ گازکنشی شده و مردم از این نعمت بزرگ در منازل خود بهره‌مند شدند. همین امر نیز دید مثبت و احساس تعلق به نیروگاه را در بین اهالی این منطقه شکل داد.

▪ **نیروگاهی که مازوت‌سوز شد!**

به گفته منصوری، تا آن زمان هیچ دود و آلودگی در منطقه

دیده نمی‌شد؛ تا اینکه اواسط دهه ۸۰ به دلیل کمبود گاز در کشور و به دستور رئیس‌جمهور وقت، در قانون بهره‌برداری از گاز طبیعی، محدودیت مازوت ملغی شده و نیروگاه، مازوت‌سوز شد. این نیروگاه که در دهه ۶۰، ۲۸ درصد کل برق ایران را تأمین کرده و موقعیت استراتژیکی داشت، پس از ملغی شدن این قانون، به یکی از منفورترین مجموعه‌های صنعتی شرق مازندران تبدیل شد. در حقیقت آینه دق کسانی شد که بیشتر نسبت به آن احساس تعلق داشتند.

وی می‌گوید: با مازوت‌سوزی در نیروگاه، هوا به‌شدت آلوده شده و آسیب زیادی به سلامتی و بخصوص چشم مردم وارد می‌شود. این حجم مازوت‌سوزی در طول روز بسیار زیاد است. به گونه‌ای که اگر ۴ واحد نیروگاه هم‌زمان فعال شوند، بیش از ۸ هزار تن در ۲۴ ساعت می‌توانند مازوت بسوزانند. از طرفی چرخه هیدرولژی آب در این منطقه کوتاه است. بدین معنا که آب‌رها، آلودگی را با خود حمل کرده و با برخورد به البرز، موجب بارش باران اسیدی شده و این بارندگی دوباره وارد چرخه آب می‌شود. نمود این وضعیت را می‌توان به تخریب محصولات کشاورزی و باغی این منطقه مشاهده کرد. خاکستر مازوت، کیسه‌های اسانس پوست مرکبات نظیر پرتقال و نارنگی را از بین برده

و لکه‌های قهوه ای روی آنها ایجاد می‌کند. همین امر نیز باعث کاهش کیفیت و قیمت محصول مرکبات شده و ضررهای اقتصادی زیادی را به مردم تحمیل می‌کند.

به گفته این فعال محیط زیست، تنها محدودیت گاز، این نیروگاه را به مازوت‌سوزی مجبور نکرده است؛ بلکه تحریم‌های ظالمانه نیز در تشدید این وضعیت نقش مهمی داشته است. از طرفی روش تولید بنزین در داخل منسوخ شده و بنزین‌های وارداتی نیز کیفیت مناسبی ندارند. مازوت نیز از طرفی

خریداری نشده و باز هم عموماً در نیروگاه‌ها به مصرف می‌رسد؛ از بخت بد مردم منطقه هم، نیروگاه نکا به یکی از بزرگ‌ترین مصرف کنندگان مازوت تبدیل شده است. این در حالی است که در پی گسترش صنایع در جهان، مصرف مازوت موجب مرگ و میر تعداد زیادی از شهروندان کشورهای مختلف شده و به همین دلیل نیز مصرف آن در اروپا و دنیا منسوخ شد.

▪ **اثرات مخرب انسانی و زیست‌محیطی**

در همین حال «جمال ابوطالبی»، مدیرتشکل زیست محیطی دهستان میانکاله نیز به «ایران» می‌گوید: ذرات حاصل از سوخت مازوت روی سطوح، هوا، محصولات کشاورزی و به تبع آن ایجاد باران‌ها و شبنم‌های اسیدی، مردم روستاهای اطراف



نیروگاه شهید سلیمی نکا را دچار مشکلات عدیده‌ای کرده است. نقش مخرب این ذرات بر محصولات کشاورزی بسیار مشهود است؛ همین امر نیز ضرر و زیان کلانی را به کشاورزان منطقه وارد کرده است. وی می‌گوید: در بخش سلامت نیز شاهد افزایش آمار ابتلا به سرطان و بیماری‌های چشمی در میان اهالی روستاهای همجوار این نیروگاه هستیم. در هنگام تردد با موتورسیکلت در منطقه، این ذرات وارد چشم شده و علاوه‌بر سوزش، لکه‌های قهوه‌ای نیز ایجاد کرده و کار بسیاری از شهروندان را به درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها می‌کشاند.

به گفته ریاست شورای اسلامی زاغمرز، سوخت مازوت در منطقه به محیط زیست منطقه از جمله حیات وحش، میانکاله و حتی آبزیان دریای

